



یادبودمختاباد در خانه هنرمندان

همزمان با نخستین سالگرد درگذشت سید ابوالحسن مختاباد (نجوا)، آیین یادبود او در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. این مراسم در نخستین سالگرد درگذشت سید ابوالحسن مختاباد، عصر چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۲، از ساعت ۱۸ در سالن استاد جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد. سید ابوالحسن مختاباد، روزنامه‌نگار، هنرمند و پژوهشگر فرهنگ و هنر بود که سال ۱۳۴۸ متولد شد و بهمن ماه ۱۴۰۱ چشم از جهان فرو بست. او فعالیت حرفه‌ای خود را به‌عنوان روزنامه‌نگار، در روزنامه همشهری آغاز کرد و در دو حوزه نقد کتاب و موسیقی فعال بود. او همچنین دو دوره متوالی از سوی مجمع عمومی خانه موسیقی به‌عنوان بازرس اصلی این نهاد صنفی انتخاب شد و نیز نهادینه کردن و برگزاری چند دوره کتاب و آلبوم سال خانه موسیقی، از ابتکارات صنفی او به‌شمار می‌رود.



تماشای فوتبال در سینما

تماشای زمین بازی بر پرده سینما و در کنار هم، به یک آیین جمعی می‌ماند که با نمایش فوتبال در سالن‌های سینما ممکن می‌شود. هیجان این تجربه به‌ویژه در بازی‌های ملی که همه تماشاگران هوادار یک تیم هستند، بیشتر هم می‌شود. همزمان با بازی فوتبال ایران و سوریه در جام ۲۰۲۳ ملت‌های آسیا، با دستور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تمام سینماهای کشور مجاز به فروش بلیت تماشای این بازی در سالن‌های سینمایی خود شدند. طبق اعلام روابط عمومی وزارت ارشاد، این اقدام با هدف ایجاد نشاط اجتماعی و توجه به نقش فضاهای عمومی کشور در همدلی، وفاق، همبستگی و تعلق اجتماعی که از جمله وظایف عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌شمار می‌آید، صورت گرفته است. گفتنی است، تیم ملی ایران مقابل سوریه از ساعت ۱۹:۳۰ چهارشنبه، یازدهم بهمن ماه، در مرحله یک‌هشتم جام ملت‌های آسیا در ورزشگاه عبدالله بن خلیفه در قطر بازی می‌کند.



درخشش ایران در جشنواره داکا

بیست‌ودومین جشنواره فیلم داکا در کشور بنگلادش به کار خود پایان داد و فیلم سینمایی «اشغال‌ها و عروسک‌ها»، ساخته منیژه حکمت، جایزه بهترین فیلم‌بخش سینماگران زن را دریافت کرد. در این جشنواره ۲۹ فیلم بلند و کوتاه ایرانی انتخاب شده که ۵ فیلم، اولین نمایش جهانی و ۲۳ فیلم، اولین نمایش بین‌المللی خود را تجربه کردند. در بخش مسابقه سینمای آسیا، فیلم‌های سینمایی؛ «فرشته» ساخته مرتضی آتش زمزم محصول ایران و بنگلادش، «فصل آلوده‌های سبز» ساخته علی بیات در اولین نمایش جهانی، «شماره ده» ساخته حمید زرگرنزاد در اولین نمایش بین‌المللی و «آدم حساسی» ساخته حسن کی‌قبادی در اولین نمایش جهانی حضور داشتند در بخش سینمای جهان فیلم‌های سینمایی؛ «خاطرات بندباز» ساخته حامد رجبی در اولین نمایش بین‌المللی، «میرجاوه» ساخته آرمان زرین کوب، «کت چرمی» ساخته حسن میرزاحمدی، «سمپاشی» ساخته علی یاور در اولین نمایش جهانی، «زایاتا» ساخته دانش اقباشاوی و «مرد پروانه‌ای» ساخته میترا روحی منش به نمایش گذاشته شدند.

گفت‌وگو با احسان عمادی سازنده مستند فرار از قصر

سرگذشت حزب توده
يك تراژدی بود



رضا صائمی
خبرنگار گروه فرهنگ

«فرار از قصر»، سومین تجربه احسان عمادی در ساخت مستندهای تاریخی و سیاسی، بعد از دو مستند «محاكمه» و «رزم‌آرا» یک دوسیه مسکوت است که به ماجرای فرار رهبران حزب توده از زندان قصر می‌پردازد؛ مهم‌ترین فرار از زندان در تاریخ سیاسی ایران است که طی آن چهره‌هایی همچون نورالدین کیانوری، خسرو روزه و عبدالحسین

نوشین در پاییز ۱۳۲۹ با نقشه‌ای پیچیده، از زندان قصر می‌گریزند. اگرچه عمادی معتقد است که هیچ مستندسازی نیست که نگاهی بی‌طرفانه نسبت به سوژه خود نداشته باشد و او هم روایت شخصی خودش از تاریخچه حزب توده را به تصویر کشیده، اما پشت هیچ ایدئولوژی خاصی سنگر نگرفته تا از منظر آن به سوژه بنگرد. عمادی با ارجاع به برخی اسناد تصویری ناب که شاید در هیچ مستند دیگری ندیده باشید، پازلی از اعضای اصلی حزب توده را در ساختار دراماتیک روایت می‌کند که به شدت افق‌کننده است و مخاطب را با خود همراه و همدل می‌کند. برای رمزگشایی بهتر از این مستند، گفت‌وگوی ما با احسان عمادی را بخوانید.



حالا با ساخت مستند «فرار از قصر»، بعد از مستند «محاكمه» و «رزم‌آرا، یک دوسیه مسکوت» با قطعیت می‌توان گفت که احسان عمادی را باید به‌عنوان مستندساز تاریخی و سیاسی بشناسیم. این از علاقه شخصی به این حوزه می‌آید یا مثلاً به دلیل ساخت «محاكمه» به‌عنوان نخستین تجربه مستندسازی، در این مسیر قرار گرفته‌اید؟ هر دو عامل موثر بوده است اما بیشتر به دلیل علاقه به تاریخ بوده که حب با سیاست هم گره می‌خورد. در واقع علاقه من به مطالعه تاریخ معاصر ایران را می‌توان دلیل ساخت این مستندها دانست. اگر بخوایم به قبل‌تر برگردیم، این علاقه از دوران نوجوانی با خواندن کتاب «عبور از بحران» هاشمی‌رفسنجانی که خاطراتش از سال ۶۰ بود، شروع شد. با این حال اولین مستندی که ساختم کاملاً تصادفی پیش آمد. حسام اسلامی تهیه‌کننده، مستندی درباره تاریخ نفت در ایران می‌ساخت به‌اسم «غرامت» که من چند نریشن برای آن نوشته بودم. در خلال این مستند، پژوهشی هم درباره محاکمه مصدق در دادگاه کرده بود که دوست داشت به‌شکل مستقل به یک مستند تبدیل شود و آن را به من پیشنهاد کرد. من پیش از این هیچ تجربه‌ای در مستندسازی نداشتم و مشغول کار روزنامه‌نگاری بودم.

به‌منظر می‌رسد طی یکی، دو دهه اخیر در کنار تاریخ مکتوب و تاریخ شفاهی، شاهد ظهور «تاریخ تصویری» هستیم که به مباحثی سینمایی با سبک و گسترش یافته است به‌ویژه با مدیوم مستند. این شکل از تاریخ‌پژوهی چه ویژگی‌هایی دارد یا چه تفاوتی با دیگر روش‌های تاریخ‌پژوهی دارد؟

مستندسازی تاریخی در ۱۲-۱۰ سال اخیر خیلی رواج یافت و به آن اقبال شد. اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، یک واکنش به رسانه‌های آن‌سوی مرزها مثل شبکه‌های بی‌بی‌سی و من و تو هم بود که مستندهای تاریخی و سیاسی می‌ساختند و به این ترتیب انگار یک احساس نیاز به ساخت مستندهایی تاریخی در داخل ایران به‌وجود آمد. تا پیش از آن مستندهای تاریخی ما بیشتر به تولیدات تلویزیونی ای مربوط می‌شد که با رویکرد ایدئولوژیکی مشخص و بدون هیچ نگاه هنری و زیبایی‌شناسی‌ای، ساخته و پخش می‌شد. اما کم‌کم جریان تازه‌ای برای ساخت مستندهای تاریخی جدید شکل گرفت. شما اگر به آثاری که در جشنواره سینما حقیقت شرکت کرده‌اند، در یک‌دهه اخیر نگاه کنید، متوجه می‌شوید که درصد قابل‌توجهی از آنها مستندهای تاریخی بوده‌اند. ضمن اینکه گسترش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی هم در تشدید و تقویت این مسئله بی‌تأثیر نبوده است. به‌نظرم آنچه در ساخت مستندهای تاریخی مهم است و جایش در مستندهای ما خیلی پررنگ نیست، سوییهای زیبایی‌شناختی مستند به‌مثابه یک امر هنری است. فیلم مستند پیش از اینکه تاریخی یا سیاسی باشد، در قلمرو هنر و سینما قرار می‌گیرد و مستلزم توجه به ابزارهای هنری و زبان سینماست که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به‌نظرم من، یکی از ضعف‌های ما در مستندسازی تاریخی و سیاسی است.

درواقع دچار نوعی مضمون‌زدگی در ساخت مستندهای تاریخی و سیاسی هستیم که فرم و ساختار زیبایی‌شناسی آن را به محاق می‌برد.

دقیقاً. برای خود من ورود به یک رخداد تاریخی و سیاسی اول از منظر و دریچه داستان است. اینکه ببینیم قصه‌اش چیست و احساسات و عواطفی با آن تنیده شده و چطور می‌توان روایت آن را به زبان تصویر ترجمه کرد. من حتی به شخصیت‌های تاریخی به چشم انسان‌هایی که گوشت، پوست و خون دارند نگاه می‌کنم، نه صرفاً شخصیت‌هایی که فلان تصمیم را گرفته یا فلان اقدام تاریخی را انجام داده‌اند.

یعنی با شخصیت‌های تاریخی مواجهه دراماتیک پیدا می‌کنید، نه اینکه آنها را صرفاً با هویت تاریخی و سیاسی‌شان معیار قرار بدهید؟

دقیقاً. در واقع برای من وجوه فردی و انسانی یک شخصیت تاریخی به اندازه هویت سیاسی و جایگاهش در ساختار قدرت، اهمیت دارد. درست مثل نگاهی که یک کارگردان فیلم داستانی به شخصیت‌های تاریخی دارد و آنها را به‌مثابه کاراکترهای نمایشی و دراماتیک نگاه می‌کند. این نگاه را در روایت یک رخداد تاریخی هم داریم، به این معنا که به‌نظرم روایت تاریخی در مستند باید به مؤلفه‌های داستان‌گویی و ساختار درام از گره افکنی و تعلیق تا گره‌گشایی و پردازش عواطف شخصیت‌ها توجه داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر باید روایت تاریخی را با روایتگری سینمایی و دراماتیک پیوند زده و از امکانات بیانگری مستند، به‌عنوان یک مدیوم هنری بهره ببرد. تفاوت مستندسازی با دیگر شیوه‌های تاریخ‌پژوهی در همین مسئله است. اینکه مستندساز باید به زبان تصویر و روایت سینمایی التزام داشته باشد.

در عین حال که رعایت این قواعد زیبایی‌شناختی با وفاداری تاریخی به سوژه همراه است...

به‌نظرم مستندساز در مواجهه با یک رخداد یا شخصیت تاریخی، به برداشتی شخصی می‌رسد و حالا باید این روایت شخصی را دراماتیزه کرد تا مخاطب را با خود همراه کند. در واقع در مستند تاریخی، بیان واقعیت باید زبان سینمایی به خود بگیرد تا اثر بخش شود.

به روایت شخصی در مستندسازی تاریخی اشاره کردید. آیا در مستند «فرار از قصر»، با روایت شخصی احسان عمادی به‌عنوان شخصیت حقیقی از سرگذشت حزب توده در ایران مواجه هستیم یا با خودتان به‌عنوان یک کارگردان و یک شخصیت حقوقی که حالا به‌آنچه در منابع و مآخذ تاریخی درباره حزب توده بوده، مراجعه کرده و آن را به تصویر می‌کشید؟ کمی درباره این روایت شخصی و نسبت آن با یک سوژه تاریخی که اتفاقاً شخصی نیست، توضیح بدهید؟ چون خیلی‌ها ممکن است این روایت